رواق شهیدان

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحسین مبشر

شهید حجت‌الاسلام والمسلمین «عبدالحسین مبشّر»، در سال ۱۳۲۵ در شهر الشتر استان لرستان متولد شد. او همانند بسیاری از مردان بزرگ تاریخ، در ایام کودکی از نعمت پدر محروم شد.

تحصیلات: پس از سپری کردن تحصیلات دوره ابتدایی در الشتر، با تحمل سختی‌های فراوان برای ادامه تحصیلات به خرم‌آباد آمد و دوره دبیرستان را با موفقیت پشت سر گذاشت.

شهید عبدالحسین مبشّر، با تشویق و حمایت دایی بزرگوارش مرحوم حجت‌الاسلام هادی فرج‌اللهی به حوزه علمیه خرم‌آباد و سپس به قم رفت و دروس حوزوی را در این دو حوزه در محضر اساتیدی همچون آیات عظام فاضل لنکرانی، جعفر سبحانی، سلطانی طباطبایی و سیدحسین فاطمی قمی گذراند.

در سال ۱۳۴۷ در رشته علوم سیاسی دانشگاه تهران پذیرفته شد و در سال ۱۳۵۱ با اخذ درجه لیسانس از دانشگاه فارغ‌التحصیل شد و پس از فراغت از تحصیلات دانشگاه و تحصیل در درس خارج فقه و اصول، به خرم‌آباد بازگشت و با علاقه‌ای که به تدریس، پرورش و ارشاد جوانان داشت، به تدریس در دبیرستان‌های خرم‌آباد پرداخت.

• **فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی:** ورود شهید به قم مقارن با وقایع تاریخی ابتدای نهضت اسلامی به رهبری امام خمینی‌ﷺ بود که اوج آن را باید قیام پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ دانست. او همانند بسیاری از طلاب جوان و پرشور به ندای رهبرکبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی‌ﷺ لبیک گفت و الفبای مبازه با طاغوت را در فضای عطرآگین قیام و مجاهدت فی سبیل‌الله در شهر قم فرا گرفت. بعد از فراغت از تحصیل دانشگاهی و همزمان با تدریس در دبیرستان‌های خرم‌آباد، با ارشاد و راهنمایی اندیشمند شهید حجت‌الاسلام سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد و با هم‌فکری و همکاری شهید حجت‌الاسلام شهید سید فخرالدین رحیمی، کانون اسلامی جوانان خرم‌آباد را تأسیس نمود. نیت خالص و اراده راسخ او و همرزمانش، این کانون را به مرکز تربیت جوانان شایسته تبدیل کرد که هرکدام در برهه‌ای از زمان منشأ خدمات ارزنده ای به اسلام و انقلاب شدند . یکی از این جوانان، سردار شهید حاج نعمت‌الله سعیدی بود که از زلال معرفت تعلیمی توسط شهید مبشّر و شهید رحیمی و سایر مبارزان و مجاهدان بهره‌ها برد.

با پی بردن رژیم ستم‌شاهی به فعالیت‌های مؤثر و گسترده شهید مبشّر، ایشان به شهرستان بهبهان تبعید شد؛ اما در آنجا نیز از نشر فرهنگ انقلاب و ترویج مبارزه با طاغوت باز نایستاد؛ به‌طوری که به‌علت سخنرانی علیه دستگاه حاکم، چندین‌بار به ساواک مسجد سلیمان فراخوانده شد و نهایتاً ممنوع‌المنبر گردید.

در بحبوحه مبارزات و در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، شهید مبشّر به خرم‌آباد بازگشت. در این زمان خانه کوچک او، یکی از اصلی‌ترین کانون‌های مبارزاتی جوانان انقلابی و پیرو خط امام بود و از آنجا بود که برنامه‌های تبلیغی تظاهرات و راهپیمایی‌ها برنامه‌ریزی می‌شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در نخستین گام با تشکیل اولین کانون فرهنگی- سیاسی به‌نام انجمن تبلیغات اسلامی همراه با دیگر همرزمانش، فعالیت فرهنگی وسیعی را برای رشد آگاهی‌های جوانان آغاز نمود.

شهید مبشّر در شکل‌گیری و سازمان‌دهی نظام اداری در ادارات مختلف بعد از انقلاب و همچنین در تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نقش به‌سزایی داشت. با شروع جنگ تحمیلی، با تأسیس بسیج عشایری استان، به‌یاری رزمندگان اسلام پرداخت و در تشکیل بسیج مستضعفین وآموزش نظامی جوانان استان تلاش بسیار نمود.

در این دوران در کنار شغل معلمی که بدان عشق می‌ورزید، مسئولیت بنیاد شهید انقلاب اسلامی استان لرستان را پذیرفت و با علاقه و عشق فراوان، به خانواده‌های معظم شهدا خدمت می‌کرد و به‌حق دلسوزی و همدردی و مهربانی او تسلی‌بخش آلام و دل‌های دردمند آنان می‌شد؛ به‌طوری‌که عمق این پیوند و ارتباط عاطفی میان او و خانواده‌های شهدا، بعد از شهادت ایشان و در سوز و گداز این خانواده‌ها به‌وضوح دیده می‌شد.

• **لبیک به ندای ارجعی:** در سپیده‌دم پنجم مهرماه سال ۶۰ با ماشین سواری شخصی خود در محله قاضی‌آباد به سمت محل کار حرکت کرد و دقایقی بعد، توسط عوامل خودفروخته استکبار و منافقین مزدور به شهادت رسید و پیکر مطهر او در میان حزن و اندوه آحاد جامعه و با حضور بسیار پرشکوه مردم متدین و عزادار خرم‌آباد تشییع و در بهشت رضای این شهر به خاک سپرده شد.

نماینده ولی‌فقیه در استان کرمانشاه

فقه از ابتدای اسلام تا به امروز نرم‌افزار زندگی مسلمانان بوده است

نماینده ولی‌فقیه در استان کرمانشاه، گفت: از ابتدای اسلام تا به امروز فقه، نرم‌افزار زندگی مسلمانان بوده است و تا پایان عالم هم خواهد بود.

به گزارش خبرگزاری حوزه از کرمانشاه، حجت‌الاسلام والمسلمین غفوری در نشست ائمه جمعه اهل سنت و شوراهای روحانیت و افتای استان، گفت: از ابتدای اسلام تا به امروز فقه، نرم‌افزار زندگی مسلمانان بوده است و تا پایان عالم هم خواهد بود.

وی گفت: هیچ‌گاه فقه از دایره اداره زندگی بشر خارج نمی‌شود؛ همچنین «صلاح ذات‌البین»، به‌عنوان یک اصل مورد سفارش و تأکید است.

حجت‌الاسلام والمسلمین غفوری، با بیان اینکه تعیین تکلیف لحظه به لحظه عمر انسان و هر اقدامی که در زندگی فردی، اجتماعی و خانوادگی انجام می‌دهد و همه تصرفاتی که می‌خواهد داشته باشد، همه بر عهده فقه است، گفت: فقه تعیین می‌کند که آیا مجموعه این اقدامات درست است یا نادرست، حلال خداست یا حرام خدا.

امام جمعه کرمانشاه، با اشاره به اینکه تعامل و ارتباط روحانیون با مردم، باید بسیار زیاد و نزدیک باشد، گفت: بحمدالله ارتباطات مردمی حاج ماموستا قادری، صمیمی، گرم، خوب و مستمر است و ایشان در غم و شادی و مسائل مختلف مردم حاضرند.

نماینده ولی‌فقیه در استان کرمانشاه، خاطرنشان کرد: ابزاری که امروز برای مقابله با اسلام در اختیار دشمنان قرار گرفته است، بسیار پیچیده و گسترده‌تر از گذشته است و هیچ زمانی دشمنان اسلام، رسانه‌ای با این قدرت و فراگیری در اختیار نداشته‌اند.

لازم به ذکر است، در این نشست، حاج ماموستا ملاقادر قادری، به‌عنوان «رئیس شورای‌عالی افتای استان کرمانشاه» منصوب گردید.

مدیر حوزه علمیه قزوین

دو نهاد حوزه و دانشگاه یک فرصت هستند

حجت‌الاسلام والمسلمین عرفانی گفت: دو نهاد حوزه و دانشگاه یک فرصت تأثیرگذار و کارساز و رشددهنده هستند که باید تعامل و همکاری بین این دو نهاد افزایش یابد.

به گزارش خبرگزاری حوزه، حجت‌الاسلام والمسلمین اصغر عرفانی، در نشست همکاری‌های حوزه علمیه قزوین و دانشگاه آزاد اسلامی استان گفت: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از چشم‌اندازهای اصلی در نگاه امام خمینی‌ﷺ به‌عنوان یک نگاه ایجابی، نهادهای حوزه و دانشگاه یک فرصت برای رشد و تعالی و استحکام نظام حاکمیتی دینی و هم رشد و تعالی برای تربیت جامعه انسانی خودمان است.

حجت‌الاسلام والمسلمین عرفانی خاطرنشان کرد: بنده عقیده‌ام این است که امام راحل‌ﷺ و همچنین مقام معظم رهبری این دو نهاد را به‌طور کلی فرصتی دیده‌اند و این فرصت کارساز، تأثیرگذار و رشددهنده است؛ به‌طوری‌که موتور پیشران در جهش تولید، این دو نهاد هستند و باید دست به دست هم بدهند و آینده مورد انتظار را تحقق ببخشند.

دبیر شورای حوزه علمیه استان قزوین بیان کرد: این دو نهاد علمی تفاهم‌نامه‌هایی را امضا کرده‌اند و ظرفیت‌هایی را در نظر گرفته‌اند و دبیرخانه‌ای هم تأسیس و کارهایی هم صورت گرفته است؛ ولی هنوز تا آن نقطه مطلوب، خیلی فاصله است و ما می‌توانیم، ظرفیت‌های نوظهور و تقویت‌کننده و توسعه‌یافته را به میدان آورده و کاری ماندگار انجام دهیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین عرفانی تصریح کرد: در حوزه علمیه استان ما، ظرفیت‌های خوبی از جمله پژوهش‌سرا که متشکل از گروه‌های علمی است که اعضای آن اساتید حوزه هستند، با برنامه‌های منظم، مباحث را دنبال می‌کنند و همین‌طور می‌توان کرسی‌های آزاداندیشی و مرکز مشاوره و مرکز زبان که ظرفیت‌هایی در جهت وحدت این دو نهاد به اشتراک گذاشت و در رفت و برگشت‌های مؤثر آرمان‌های انقلاب اسلامی را تحقق بخشید.

وی ادامه داد: یکی از افتخارات دانشگاه آزاد اسلامی، پسوند اسلامی بودنش است و این نشان‌دهنده آن است که مبانی و باورها و معارف اسلام ناب محمدی، باید زیربنا و اسکلت اساسی این نهاد باشد.

مدیر حوزه علمیه استان قزوین بیان کرد: ظرفیت‌های مشترک بسیار خوبی در حوزه‌های علمیه و دانشگاه آزاد اسلامی وجود دارد که با یک طرح کلان و یک برنامه‌ریزی دقیق و هدفمند، می‌توان فعالیت‌های عملیاتی ارزشمندی انجام داد.

رئیس مرکز خدمات حوزه علمیه کردستان مطرح کرد

اهمیت تبلیغ و ترویج آموزه‌های دینی در ایام فاطمیه

حجت‌الاسلام حسینی‌فر با اشاره به ویژگی‌های بارز حضرت فاطمه زهرا‌ﷺ، بر اهمیت تبلیغ و ترویج آموزه‌های دینی در این ایام تأکید کرد.

به گزارش خبرگزاری حوزه در استان کردستان، جلسه مبلغان ایام فاطمیه شهرستان کامیاران با حضور حجت‌الاسلام علی حسینی‌فر رئیس مرکز خدمات حوزه علمیه استان کردستان، حجت‌الاسلام سیدجلال حسینی مدیر مدرسه علمیه امام باقر‌ﷺ، مدیر مدرسه علمیه خواهران این شهرستان و با حضور رئیس اداره تبلیغات اسلامی کامیاران برگزار شد.

در این جلسه، نقش حیاتی مبلغان در ارتقای فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و اهمیت ایام فاطمیه مورد بررسی و تأکید قرار گرفت.

حجت‌الاسلام حسینی‌فر در این جلسه، با اشاره به ویژگی‌های بارز حضرت فاطمه زهرا‌ﷺ بر اهمیت تبلیغ و ترویج آموزه‌های دینی در این ایام تأکید کرد.

در ادامه رئیس اداره تبلیغات اسلامی شهرستان کامیاران، با ارائه گزارشی از فعالیت‌های انجام‌شده و برنامه‌های آتی، خواستار همکاری و همبستگی بیشتر میان مبلغان و نهادهای دینی شد.

وی بر ضرورت بهره‌گیری از روش‌های نوین تبلیغاتی و افزایش تعامل با جامعه به‌منظور گسترش آموزه‌های فاطمی تأکید کرد.

در پایان جلسه، مبلغان به تبادل نظر و ارائه پیشنهادات خود پرداختند و بر همکاری و همدلی جهت برگزاری هرچه بهتر برنامه‌های تبلیغی و فرهنگی ایام فاطمیه تأکید کردند.

در جمع طلاب مدرسه علمیه حضرت زینب‌ﷺ آستانه

کتاب «چرا دین؟ چرا اسلام؟ چرا تشیع؟» معرفی شد

به گزارش خبرگزاری حوزه از اراک، کتاب «چرا دین؟ چرا اسلام؟ چرا تشیع؟» توسط خانم ایزدپناه استاد حوزه علمیه خواهران استان مرکزی، در مدرسه علمیه حضرت زینب‌ﷺ آستانه معرفی شد.

ایزدپناه با بیان اینکه این کتاب نوشته استاد حمیدرضا شاکرین است، اظهار کرد: این کتاب، بخشی از بنیادی‌ترین پرسش‌های فلسفه دین، کلام و دین‌شناسی تطبیقی را با نگاهی نو اما در نهایت ایجاز و اختصار بازگو می‌کند.

وی خاطرنشان کرد: این کتاب در عین‌حال که دانشجویی نام گرفته؛ اما برای هر ذهن پرسش‌گر و برای پاسخ به شبهات در اکثر محیط‌ها مناسب است.

ایزدپناه افزود: با توجه به بمباران اطلاعاتی دشمنان اسلام ناب و شبهه‌افکنی روزافزون آنها، مطالعه چنین کتاب‌هایی که حجم کم، بیان ساده و حتی قیمت اندک دارد، به همه و خصوصاً فعالان فرهنگی حوزه جوان و نوجوان توصیه می‌شود.

وی تصریح کرد: ابتدا در مقدمه کتاب سؤالاتی آمده است: «اساسی‌ترین پرسش انسان درباره دین این است که دین چه فایده و لزومی دارد؟ رابطه دین و انسان چگونه رابطه‌ای است؟ آیا می‌توان به هر دینی پای‌بند بود؟ آیا دین برتر همان اسلام است؟ در نهایت این سؤال خودنمایی می‌کند که در جهان اسلام نیز فرقه‌های مختلفی پدید آمده‌اند و به کدامین دلیل، آن مذهب حق، «تشیع» است؟ اینها برخی پرسش‌هایی‌اند که مؤلف کتاب درصدد برآمده، برای آنها پاسخی ارائه دهد.

وی ادامه داد: در بخش اول کتاب، راز دین‌گرایی بشر و میزان نفوذ آن در نهاد انسان و کارکردهای جهانی دین کاویده شده و نیم‌نگاهی به نقش دین در عصر حاضر نیز شده است.

وی گفت: در بخش دوم، به راز انحصار حقانیت در یک دین و نفی پلورالیسم دینی اشاره شده، سپس ملاک‌های دین برتر مورد بررسی قرار گرفته و در بخش سوم، مقایسه فشرده‌ای بین یهودیت، مسیحیت، آیین زرتشتی و اسلام برقرار شده و امتیازات اسلام بر دیگر ادیان تبیین شده است.

وی ابراز کرد: پایان‌بخش این کتاب، بحثی درباره چرایی تشیع است. در این قسمت ابتدا معیارهای اسلام ناب و سنجه‌های حقانیت مذاهب درون اسلامی بررسی و سپس امتیازات تشیع، نمایان شده است.

این استاد حوزه بیان کرد: «چرا دین؟ چرا اسلام؟ چرا تشیع؟» در ۱۶۴ صفحه، شمارگان ۲۰۰۰ نسخه، توسط دفتر نشر معارف منتشر شده است. نویسنده این اثر، علاوه بر این کتاب، چندین جلد از مجموعه پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی مانند «دین‌شناسی»، «راز آفرینش»، «دین، سیاست، ولایت فقیه و جمهوری اسلامی» و «حکومت دینی» را نیز نگاشته است.

اخلاق در حوزه

عوامل عزت در دنیا و آخرت

آیت‌الله‌العظمی مظاهری

چه کنیم در دنیا و آخرت عزیز باشیم. شخصیت و ابهت داشته باشیم؟ امام اول، حضرت علی‌ﷺ در این خصوص می‌فرماید:«إِذَا أَرَدْتَ عِزّاً بِلَا عَشِيرَةٍ وَهَيْبَةً بِلَا سُلْطَانٍ فَاخْرُجْ مِنْ ذُلِّ مَعْصِيَةِ اللَّهِ إِلَى عِزِّ طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَ»[1].

اگر می‌خواهی در میان مردم با ابهت و با شخصیت باشی، باید متّقی باشی. اهمیت به همه واجبات و مخصوصاً نماز، اهمیت به مستحبّات به‌اندازه‌ای که می‌توانی و مهم‌تر از این دو، اجتناب از گناه است. گناه گوش، گناه چشم، گناه زبان تا برسد به اینکه ان‌شاءالله گناه دل در زندگیت نباشد.

• **فرهنگ و علم**

آدم وقتی می‌تواند ابهت اجتماعی و شخصیت اجتماعی پیدا کند که عالم باشد و بتواند، گره‌های علمی را باز کند. وقتی در مجلس حرف می‌زند، اطرافیان به حرف او گوش دهند و ببینند که حرف‌های او مفید است. در خانه و در میان رفقا و در جامعه، حرف‌های مفید بزند تا کم‌کم برسد به آنجا که از نظر علمی دینی یا علم غیردینی، مفید برای اجتماع باشد. ثواب زیادی بار بر این است و بالاترین ابهت و شخصیت اجتماعی را نیز پیدا می‌کند.

• **تلاش و کوشش**

و این مهم‌تر از اول و دوم است. درحالی‌که اولی خیلی بالاست و انسان اصلاً خلق شده برای اینکه عابد و متقی باشد: ﴿وَما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلاَّ لِيَعْبُدُونِ﴾.[2]

پروردگار عالم، عالم هستی را خلق کرده است برای اینکه ما عالِم و بافرهنگ شویم؛ اما این تلاش و کار و کوشش از اولی و دومی هم مهم‌تر است و گفتم که هرکجا ایمان در قرآن آمده، بلافاصله عمل صالح هم آمده است. نداریم در قرآن جایی را که بگوید: ایمان داشته باش؛ بلکه هرکجا می‌فرماید: ایمان داشته باشد، می‌گوید: عمل صالح نیز داشته باش: ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحات﴾.[3]

خیلی کم پیدا می‌شود و آن هم به چیزهای دیگری ربط دارد که بگوید ایمان داشته باش؛ بلکه هرکجا می‌فرماید: ایمان داشته باش، می‌فرماید: عمل صالح نیز داشته باش و حیات طیب دنیا و آخرت، مربوط به این عمل صالح است: ﴿مَنْ عَمِلَ صالِحاً مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَياةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ ما كانُوا يَعْمَلُونَ﴾.[4]

اگر می‌خواهی حیات طیب در این دنیا و حیات طیب‌تر در آخرت داشته باشی، «مَنْ عَمِلَ صالِحاً»، باید کارهایت پسندیده و مفید برای اجتماع و بالأخره باید تلاش و کوشش در زندگی داشته باشی و ذره‌ای از عمر تو باید تلف نشود.

• **اقسام کار**

کار و تلاش و کوشش به اقسامی منقسم می‌شود.

قسم اول همین کار عبادی است که گفتم. بالاترین کارها، کار عبادی است؛ یعنی انسان متقی شود؛ اما این را هم توجه کنید که انسان می‌تواند به کارهای غیرعبادی خود رنگ عبادی دهد. کار کند برای اینکه زنش در رفاه باشد و یا خانم کار کند، برای اینکه شوهرش در رفاه باشد. این کار عبادی می‌شود و ثواب جهاد دارد: «جِهادُ المَرأةِ حُسْنُ التَّبَعُّل».[5]

«الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ».[6]

کاسبی کند برای اینکه بتواند، بچه‌هایش را بزرگ کند و بچه‌هایش را به مدرسه روانه کند و بافرهنگ کند. این رنگ پیدا می‌کند و عبادی می‌شود. پس ما باید به آن رنگ بدهیم و معمولاً کارهای مباح هم کارهای عبادی می‌شود. از همین جهت، بعضی از بزرگان نقل می‌کنند که اینها هیچ‌گاه کار مباح انجام نمی‌دادند؛ بلکه رنگ خدا به آن می‌دادند یا رنگ عبادت می‌دادند و کار عبادی می‌شد.

• **قسم اوّل، کار عبادی**

کار عبادی به این معناست که اهمیت به واجبات و اهمیت به مستحبّات و اجتناب از گناه بدهد و مخصوصاً عمده در اینجا[اجتناب از گناه است] که اگر گناه در زندگی انسان آمد، انسان را تباه می‌کند و زندگی انسان را نابود می‌کند.

به جوان‌ها تکرار کنم که شما می‌توانید، به همه کارهای‌تان رنگ عبادی دهید؛ ولو کار مباح هم باشد.

• **قسم دوم، کار فرهنگی**

انسان باید در فرهنگش عالی باشد. یکی از وظایف سنگین پدر این است که بچه‌هایش را فهمیده بار آورد. از نظر رفت و آمد و از نظر مکالمه عالی حرف بزند. این بچه‌ها که نه درس می‌خوانند و نه کار می‌کنند و فقط سرگرم فیلم‌ها و موبایل‌ها هستند، این تربیت نمی‌شود. بالاترین واجبات برای پدر و مادر، تربیت اولاد است. تربیت این نیست که با موبایل ور رود. قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ الْخاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيامَةِ أَلا ذلِكَ هُوَ الْخُسْرانُ الْمُبِينُ﴾.[7]

می‌فرمایند: ورشکسته‌ترین افراد کسی است که در روز قیامت به‌خاطر بچه‌هایش به جهنّم برود. برای اینکه باید بچه را تربیت می‌کرده؛ اما نکرده است. خیال می‌کند، تربیت این است که بچه را به مدرسه غیرانتفاعی ببرد و مواظبت صددرصد کند؛ البته این کار خوب است؛ اما باید دوش به دوش این، بچه‌اش را با نماز و با صداقت و راستگو بار آورد و دختر را با حجاب و چادری بار بیاورد. دختری که چادر نداشته باشد، معلوم است که پدرش باید به جهنم برود. نگویید تقصیر دختر است یا تقصیر محیط است.

• **پی‌نوشت‌ها**

۱. کفایة‌الاثر، ص ۲۲۸؛

۲. الذاریات، ۵۶: «و جنّ و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند.»؛

۳. البقرة، ۸۲: «و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند.»؛

۴. النحل، ۹۷: «هر کس-از مرد یا زن- کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیاتِ [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد.»؛

۵. الکافی، ج ۵، ص ۹؛

۶. الکافی، ج ۵، ص ۸۸؛

۷. الزمر، ۱۵: «زیانکاران در حقیقت کسانی‌اند که به خود و کسان‌شان در روز قیامت زیان رسانده‌اند؛ آری، این همان خسران آشکار است.»